

تحلیل گونه‌های واژگانی - نحوی بیان آینده در زبان فارسی زیر تأثیر عوامل اجتماعی

رضا غفارثمر^۱

دانشگاه تربیت مدرس

الهام یزدان‌مهر^۲

دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر عوامل سن، جنسیت، سطح تحصیلی و سطح اقتصادی/ اجتماعی گوینده و نیز درجه رسمیت موقعیتِ گفتمان بر بیان آینده در گفتار فارسی است. بدین منظور داده‌های لازم جهت تحقیق به صورت یادداشت‌های میدانی از گفت و گوی روزمره افراد گردآوری شد. در مجموع ۵۲۳ جمله که بیان‌گر آینده بود جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل شد. آن‌طور که از گفتار مشاهده‌شوندگان برآمد ایشان زمان آینده را در گفت‌وگوهای روزمره خود به نُه گونه واژگانی - نحوی ابراز می‌داشتند: حال استمراری، حال ساده، خواه(د) + فعل، می‌خواه(م) + فعل، مضارع التزامی، گذشته ساده، دار(یم) + فعل، قراره + التزامی، دار(م) می‌رو(م) + فعل. نتایج نشان داد که حال استمراری پرکاربردترین گونه واژگانی - نحوی بیان آینده در گفتار مشاهده‌شوندگان بود و بیش از ۶۲٪ از شکل بیان آینده را به خود اختصاص می‌داد. این الگو در کلیه گروه‌ها اعم از سن، جنسیت، تحصیلات و سطح اقتصادی/ اجتماعی به عنوان الگوی غالب شناخته شد. میزان کاربرد الگوهای واژگانی - نحوی دیگر نیز در هر گروه اجتماعی و زیرگروه‌های آن محاسبه و مقایسه گردید.

کلیدواژه‌ها: تغییر واژگانی - نحوی، زمان آینده، عوامل اجتماعی.

1. rgsamar@modares.ac.ir

2. e.yazdanmehr@modares.ac.ir

۱. مقدمه

تغییر و تحول در ساختار زبان یک ویژگی طبیعی و جدایی‌ناپذیر از تمامی زبان‌ها می‌باشد. این ویژگی همواره وجود داشته و از جوانب گوناگون قابل بحث بوده است. چنانچه این حقیقت را بپذیریم که زبان ماهیتی پویا دارد، پذیرفتن این ویژگی امری است غیر قابل انکار. اصطلاح رقیبی که برای تغییر زبانی می‌توان متصور شد، به نقل از کرافت^۱ (۲۰۱۰: ۲)، همگانی‌های زبانی است که متکی بر شباهت‌های بین زبان‌هاست. این در حالی است که تأکید تغییر زبانی عمدتاً مبتنی بر تفاوت‌ها، چه از نوع درون-زبانی و چه بین‌زبانی، است.

وات^۲ (۲۰۰۷: ۱۵)، تغییر زبانی را در حالت عام به دو نوع هدفمند و تصادفی دسته‌بندی می‌کند. تغییرات تصادفی در گفت‌وگوهای روزمره به‌وفور یافت می‌شوند ولی غالباً به طور کامل زیر کنترل گوینده قرار ندارند. از سوی دیگر، تغییرات هدفمند قدرت انتخاب بیشتری را بر اساس دسته‌ای عوامل غیر زبانی به‌دست می‌دهند. این عوامل غیر زبانی، فرهنگی-اجتماعی و موقعیت-محور^۳ هستند و قادرند جوانب گوناگون زبان را زیر تأثیر قرار دهند و در نتیجه تنوع صوتی، واژگانی، نحوی و یا واژگانی-نحوی ایجاد کنند. منظور از مورد اخیر، ترکیبی از تغییرات هم‌زمان در سطح لغت و ساختار دستوری است.

به گفته اسمیت^۴ (۲۰۰۷: ۲۴۳)، از دهه شصت میلادی، تغییرات واژگانی-نحوی، با این که به فراوانی تغییرات صوتی نبودند، توجه چشمگیری را به خود جلب کردند و مطالعات بسیاری راجع به متغیرهای مشترک بین گویش‌ها به انجام رسید. این گونه تغییر، محدود به رقابت بین گویش‌ها و زبان‌های استاندارد نبوده است. تغییر در همه گونه‌های گفتاری رخ می‌دهد، حتی در آن‌هایی که نسبتاً استاندارد به‌شمار می‌آیند.

در میان مطالعاتی که با محوریت متغیرهای واژگانی-نحوی انجام گرفته، تفحص‌های فراوانی در زمینه افعال اصلی، کمکی و نیز زمان‌ها صورت گرفته است. گونه‌ای از این نوع تفحص می‌تواند به این مسئله اختصاص یابد که چطور مفهوم یک زمان با اشکال گوناگونی از زمان ظاهری تبلور می‌یابد. در اینجا لازم است بین دو اصطلاح زمان مفهومی^۵ و زمان ظاهری

1. W. Croft
2. linguistic universals
3. D. Watt
4. context-oriented
5. J. Smith
6. time

تحلیل گونه‌های واژگانی - نحوی ...

(ساختاری)^۱ تفاوت قایل شد. اصطلاح نخست به مفهوم حقیقی زمان اشاره دارد، در حالی که اصطلاح دوم تنها به ساختار نحوی محدود می‌شود. بر همین اساس در مقاله حاضر، مشاهده می‌کنیم که چه طور زمان مفهومی آینده به اشکال گوناگون و در قالب زمان‌هایی ظاهری چون حال ساده، استمراری، التزامی و غیره بیان می‌شود. بیان مفهوم زمان آینده، در زبان فارسی، یکی از بحث برانگیزترین بخش‌های ساختار نحوی این زبان بوده است. همان گونه که در زبان‌های دیگر نیز به چشم می‌خورد، سیستم نحوی زبان فارسی از ساخت‌های گوناگونی جهت بیان آینده در گفتار بهره می‌گیرد. متغیر آینده در صورت گفتاری این زبان حداقل توسط نه گونه واژگانی - نحوی قابل انتقال است. در زیر هر یک از این گونه‌ها را همراه با نمونه‌ای، برگرفته از داده‌های گردآوری شده در این تحقیق، مشاهده می‌کنیم:

۱. خواه(د) + فعل ← مثال: - باشه. عیبی نداره. بالاخره فردایی هم خواهد آمد.
۲. حال استمراری ← مثال: - غصه نخور. خیلی زود برمی‌گردم.
۳. حال ساده ← مثال: - فردا همه خونه هستیم. تشریف بیارید.
۴. می خواه(م) + فعل ← مثال: - آخر هفته می‌خوام برم دیگه.
۵. مضارع التزامی ← مثال: - احتمالاً برم از ایشون بگیرم.
۶. دار(یم) + فعل ← مثال: - آخر ترم داریم می‌ریم برا همیشه.
۷. قراره + مضارع التزامی ← مثال: - فردا قراره بره استادو ببینه.
۸. گذشته ساده ← مثال: اگه فردا بیاد بدبخت شدیم.
۹. دار(م) می(ر)م + فعل ← مثال: - بعدازظهری دارم می‌رم کتابخونه رو ببینم.

همان طور که پیش‌تر مطرح شد، هدف پژوهش حاضر بررسی و مقایسه میزان کاربرد هر یک از این گونه‌هاست، با در نظر گرفتن تأثیر احتمالی عوامل اجتماعی، که یک‌به‌یک و در سطوح زیرین خود مورد تفحص قرار خواهند گرفت.

1. tense

۲. پیشینه تحقیق

بیان آینده به طرق گوناگون دیربازی است که نظر محققین و زبان‌شناسان را به خود جلب کرده است. تحقیقاتی در این باره در زبان‌های متعددی از جمله انگلیسی، هلندی، اسپانیایی و فرانسه به ثمر رسیده است. در تحقیقاتی که راجع به این زمان در زبان انگلیسی انجام شده، بیشترین کار به روی *will, shall* و *going to* صورت گرفته است، که همسو با سنت‌های توصیفی-آموزشی زبان‌شناسی انگلیسی نیز هست. از بین این آثار می‌توان به پژوهش هاگمان^۱ (۱۹۸۹: ۲۹۱) اشاره کرد، که گامی، فراتر از صرف توصیف زمان، به سمت ارائه توجیهی کاربردگرایانه از زمان آینده برداشته است. پاپلاک^۲ و تاگلیامونته^۳ (۲۰۰۰: ۳۱۵) زمان آینده را در گستره سه نوع از انگلیسی سیاه‌پوستان آمریکایی مورد ارزیابی قرار دادند. این سه نوع جدا از یکدیگر رشد یافته بودند و در این تحقیق با گونه‌های بریتانیایی تبار، چه از نوع روستایی و چه معیار، مقایسه شدند.

دیکلرک^۴ و دیپریتز^۵ (۱۹۹۵: ۲۶۹) به بررسی دو حالت از اظهار آینده در زبان انگلیسی، یعنی *will* و حال ساده در موقعیت‌های گوناگون پرداختند. این مطالعه سعی داشته توزیع نابرابر این اشکال را توضیح دهد و نیز تفاوت‌های معنایی ظریفی را، که بین کاربرد آن‌ها در موقعیتی واحد ایجاد می‌شود، تبیین سازد. جامع‌ترین تحقیق در مورد زمان آینده در انگلیسی، امروزه بی‌شک اثر برگلاند^۶ (۲۰۰۵: ۱۹۴) است. این محقق در تز دکترای خود پنج فعل کمکی و نیمه کمکی در زبان انگلیسی را، که به بیان آینده می‌پرداختند، مورد مطالعه قرار داد: *will, 'll, shall, going to, gonna*.

در میان پژوهش‌های آینده-محور، برخی به مقایسه دو یا چند زبان پرداخته‌اند. یکی از این نوع تحقیقات توسط واکر^۷، پاپلاک و کاکولاس^۸ (۲۰۰۴: ۱) بین دو زبان انگلیسی و فرانسه به انجام رسید. ایشان در یافته‌هایشان به شباهت‌هایی، نه تنها بین توزیع ساختارها بلکه محدودیت‌های حاکم بر انتخاب آن‌ها، رسیدند.

1. L. Haegeman
2. S. Poplack
3. S. Tagliamonte
4. R. Declerck
5. I. Depraetere
6. Y. Berglund
7. J. Walker
8. R. Cacoullos

تحلیل گونه‌های واژگانی - نحوی ...

آزبورن^۱ (۲۰۰۸: ۱) اشکال رایج بیان آینده را در زبان اسپانیایی آندلسی مورد پژوهش قرار داد. برخی از عواملی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند، شخص دستوری، جانداربودنِ فاعل، فراوانی فعل، سن گوینده و صورت منفی بود. این اثر زمینه‌ساز پژوهشی دیگر در همان سال شد، که توسط آرویا^۲ (۲۰۰۸) در حیطه زبان اسپانیایی شبه‌جزیره‌ای در منطقه‌ای دوزبانه انجام گرفت.

همان طور که از پیشینه تحقیقات آینده- محور پیدا است، زبان‌های شرقی کمتر از این حیث مورد تفحص قرار گرفته‌اند. حال آن که دیدیم آنچه در میان همه زبان‌ها رواج دارد این است که در آن‌ها ادات گوناگونی برای انتقال مفهومی واحد وجود دارد. زبان فارسی از این قاعده مستثنی نیست، با این حال در معدود تفحصات انجام‌شده حول آن کمتر به اشکال مختلف بیان آینده اشاره شده است. انوری (۱۳۹۰: ۲۵)، زمان افعال فارسی را به سه دسته اصلی ماضی، مضارع و مستقبل طبقه‌بندی، و افعال آینده را با ساختار مصدر خواستن+ بن ماضی معرفی کرده است. در تحقیق دیگری، پیش‌تر، لنگرودی (۱۳۸۱: ۲۱) به بررسی نحوی آینده ساده با ساختار خواستن پرداخته است. در آثار جدیدتر، از جمله معرفی و صرف افعال در زبان فارسی توسط خمسه (۱۳۹۱: ۱) نیز مشاهده می‌شود، که با وجود این که ۵ ساختار برای بیان گذشته در فارسی ارائه شده (ماضی ساده، استمراری، بعید، التزامی و نقلی)، و ۳ ساختار جهت بیان زمان حال (مضارع ساده، اخباری و التزامی)، تنها یک صورت برای بیان زمان آینده معرفی شده و آن هم از طریق فعل خواستن بوده است.

۳. روش تحقیق

داده‌هایی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند، بخش‌هایی از فارسی گفتاری افرادی بودند که به طور طبیعی و روزمره در محیط اطراف محققان به صحبت می‌پرداختند. نمونه‌های به‌کارگیری زمان آینده، همراه با ویژگی‌های گوینده و موقعیت گفتمان در همان زمان، به صورت یادداشت‌های میدانی به ثبت رسید. محیطی که داده‌ها از آنجا گردآوری شدند شامل

1. S. D. Osborne
2. J. L. B. Arroyoa

مکان‌های زیر است: کلاس‌های دانشگاه، صحن دانشگاه و دانشکده‌ها، سلف سرویس، ایستگاه سرویس دانشکده، خوابگاه، گفتگوهای تلفنی و درون منزل. داده‌ها در نیمهٔ نخست اکتبر ۲۰۱۱ (مهر ۱۳۹۰) گردآوری شدند. اطلاعات یا به صورت جملات کامل و گویای زمان و یا به صورت مکالمات کوتاه به ثبت رسیدند تا شبهه‌ای در مفهوم آیندهٔ آن‌ها نباشد. در مجموع ۵۲۳ جملهٔ قابل تحلیل جمع‌آوری گردید. پس از جمع‌آوری کامل، ویژگی‌های اجتماعی مورد نظر کدگذاری گردید.^۱ جدول زیر نمایندهٔ تعداد جملات در هر کد از حیث موارد فوق، از مجموع ۵۲۳ جمله است:

جدول ۱. تعداد بیانات در قالب آینده در گفتار مشاهده‌شوندگان، به تفکیک هر کد.

درجه رسمیت	سن						سطح اجتماعی-اقتصادی			سطح تحصیلی			جنسیت		ویژگی کد	
	B	A	e	d	c	b	a	U	M	L	۳	۲	۱	m		f
	۵۰	۵۱۸	۱۰	۸۳	۴۲۸	۶	۶	۳۲۳	۱۸۲	۱۸	۳۲۵	۱۷۷	۲۱	۱۶۰	۳۶۳	تعداد

چون جملات از گفتگوهای طبیعی افراد استخراج می‌شد، از مراجعهٔ شخص به شخص و پرسش مستقیم از ایشان، جهت کدگذاری، خودداری به عمل آمد. هر گوینده به یکی از این گروه‌ها تعلق داشت: دانشجویان (هم کلاسی‌ها، دوستان و هم خوابگاهی‌های محققان)، اساتید، کارکنان دانشگاه (خدمه)، اقوام، آشنایان، اعضای خانواده. کدگذاری از جهت جنس، سن، تحصیلات و موقعیت گفتار با دقت بالا انجام پذیر بود. جهت کدگذاری از حیث سطح اجتماعی-اقتصادی، بدین صورت اقدام شد: وضعیت اجتماعی-اقتصادی اقوام، آشنایان، اعضای

۱. جنسیت گوینده ← f: مؤنث، m: مذکر.

سطح تحصیلی گوینده ← ۱: کم سواد، ۲: تحصیل کرده (دیپلم یا لیسانس)، ۳: تحصیلات عالی (فوق لیسانس یا دکتری).

سطح اجتماعی-اقتصادی گوینده ← L: طبقهٔ پایین اجتماع، M: طبقهٔ متوسط، U: طبقهٔ بالای اجتماع. سن گوینده ← a: کودک (۲ تا ۹ سال)، b: نوجوان (۱۰ تا ۱۹ سال)، c: جوان (۲۰ تا ۳۹ سال)، d: میانسال (۴۰ تا ۵۰ سال)، e: مسن (بالای ۵۰ سال).

موقعیت گفتار (درجهٔ رسمیت) ← A: دوستانه و غیر رسمی، B: رسمی.

تحلیل گونه‌های واژگانی - نحوی ...

خانواده و دانشجویان به دلیل آشنایی کامل با بالاترین دقت انجام گرفت. اساتید در سطح بالای اجتماعی-اقتصادی و خدمه دانشگاه در سطح پایین کدگذاری شدند.

در اینجا یک نمونه جمله از گونه‌ی حال استمراری، برگرفته از داده‌های تحقیق حاضر، با استفاده از کدهای مذکور علامت‌گذاری شده است:

آخر شب زنگ می‌زنم باز. (گوینده: خانم دانشجوی دکتری، ۲۶ ساله از خانواده‌ای متمول، که با خانواده‌اش تلفنی گفت‌وگو می‌کند).

فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس مقایسه‌ی فراوانی‌ها و نیز درصد کاربرد هر یک از اشکال اظهار آینده بوده است: یک بار بدون در نظر گرفتن عوامل اجتماعی و به صورت کلی، و بار دیگر زیر تأثیر هر یک از این عوامل و فی‌مابین لایه‌های درونی خود. به عنوان مثال میزان کاربرد گذشته ساده برای بیان آینده، در زبان فارسی، یک بار در حالت کلی با سایر اشکال مقایسه شده و بار دیگر بین دو جنس مذکر و مؤنث.

۴. یافته‌های تحقیق

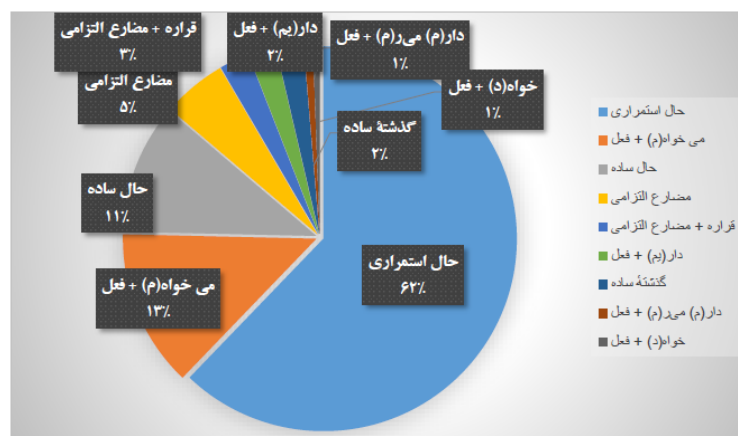
۴.۱. یافته‌های کلی

طی فرایند جمع‌آوری داده‌ها، در مجموع ۵۲۳ جمله یا عبارت آینده به ثبت رسید. نمونه‌هایی از هر نه گونه‌ی پیش‌بینی شده در داده‌ها موجود بود ولی به میزان و توزیع کاملاً متفاوت. جدول شماره ۲ نشان‌دهنده‌ی بسامد رخداد هر یک از گونه‌ها و درصد استفاده از آن در گفت‌وگوهای روزمره مشاهده‌شوندگان است:

جدول ۲. فراوانی و درصد رخداد هر یک از گونه‌های آینده در داده‌های مورد بررسی

متغیر	حال استمراری	می خواه (م) + فعل	حال ساده	مضارع التزامی	قراره + مضارع التزامی	دار(یم) + فعل	گذشته ساده	دار(م) می(م) + فعل	خواه(د) + فعل
بسامد رخداد	۳۲۵	۶۹	۵۷	۲۸	۱۳	۱۲	۱۲	۴	۳
درصد رخداد	۶۲,۱۴٪	۱۳,۱۹٪	۱۰,۸۹٪	۵,۳۵٪	۲,۴۸٪	۲,۲۹٪	۲,۲۹٪	۰,۷۶٪	۰,۵۷٪

همین یافته‌ها در نمودار دایره‌ای زیر بهتر قابل مقایسه‌اند:



نمودار ۱. درصد رخداد هر یک از گونه‌های آینده در داده‌های مورد بررسی

همان‌طور که از جدول و نمودار برمی‌آید، از آن‌گونه پیش‌بینی شده برای اظهار آینده، دو گونه از بسامد رخداد بسیار پایینی (کمتر از ۱٪) برخوردارند: "خواه(د) + فعل" و "دار(م) می(م) + فعل". از نظر کاربرد در بین سایر گونه‌ها می‌توان به ترتیب زیر دست یافت:

حال استمراری < می خواه(م) + فعل < حال ساده < مضارع التزامی < قراره + مضارع التزامی < دار(یم) + فعل.

پرکاربردترین گونه بیان آینده، در میان فارسی‌زبانان، حال استمراری شناخته شده، که با تفاوت چشمگیری از دیگر گونه‌ها در گفت‌وگوهای روزمره پیشی گرفته است. این زمان چهار برابر از گونه پرکاربرد بعدی (می خواه(م) + فعل) بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. به نمونه‌هایی از کاربرد این زمان، برگرفته از داده‌های گردآوری شده در مطالعه حاضر، توجه کنید:

تحلیل گونه‌های واژگانی - نحوی ...

- m2UbA) ساعت نه شروع می‌شه امتحان. دیر نیای یه وقت.
 f2UcA) - نمایا بالا؟
 f2UcA) - نه. الان که دیر وقته. بعداً مزاحم می‌شم.
 f3McA) - فردا می‌ری استخر؟

۲.۴. یافته‌ها در ارتباط با عوامل اجتماعی

در این مرحله به بررسی نتایج، در سطح هریک از عوامل اجتماعی مورد نظر می‌پردازیم. هریک از این عوامل به نوبه خود از دو یا چند سطح زیرین برخوردارند، که مقایسه بین آن‌ها صورت می‌گیرد.

۱.۲.۴. جنسیت گوینده

جدول‌های ۳ و ۴ به ترتیب نماینده تفاوت بیان آینده بین فارسی‌زبانان مرد و زن است:

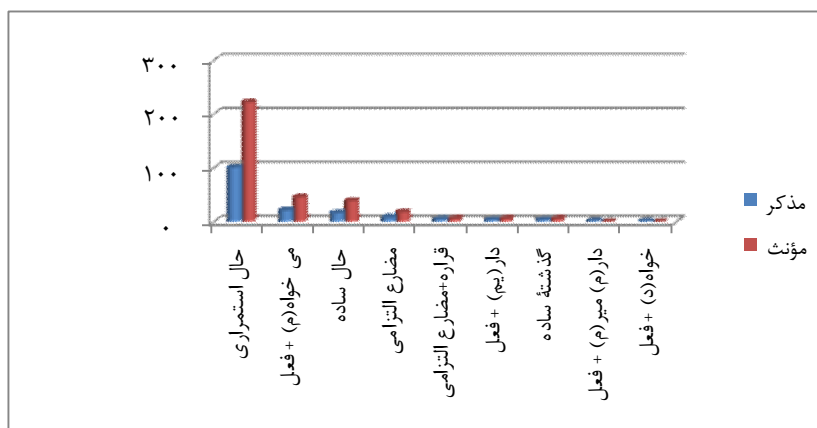
جدول ۳. فراوانی رخداد گونه‌های آینده توسط زنان و مردان فارسی‌زبان مورد بررسی

متغیر جنسیت	حال استمراری	می خواه(م) + فعل	حال ساده	مضارع التزامی	قراره + مضارع التزامی	دار(یم) + فعل	گذشته ساده	دار(م) می(م) + فعل	خواه(د) + فعل	مجموع
مذکر	۱۰۲	۲۲	۱۷	۹	۶	۵	۵	۳	۲	۱۷۱
مؤنث	۳۲۲	۴۷	۴۰	۱۹	۷	۷	۷	۱	۱	۳۵۲
مجموع	۲۵۳	۶۹	۵۷	۲۸	۱۳	۱۲	۱۲	۴	۳	۵۲۳

جدول ۴. درصد کاربرد گونه‌های آینده توسط زنان و مردان فارسی‌زبان مورد بررسی

متغیر / جنسیت	حال استمراری	می خواه (م) فعل +	حال ساده	مضارع التزامی	قراره + مضارع التزامی	دار (یم) + فعل	گذشته ساده	دار (م) می (م) فعل +	خواه (د) فعل +
مذکر	٪۵۹،۶۴	٪۱۲،۸۶	٪۹،۹۴	٪۵،۲۶	٪۳،۵	٪۲،۹۲	٪۲،۹۲	٪۲	٪۱،۱۶
مؤنث	٪۶۳،۳۵	٪۱۳،۳۵	٪۱۱،۳۶	٪۵،۳۹	٪۱،۹۸	٪۱،۹۸	٪۱،۹۸	٪۰،۲۸	٪۰،۲۸

یافته‌ها نشان می‌دهند که گویندگان مؤنث، بیش از دو برابر نسبت به هم‌تایان مذکر خود، تمایل دارند در گفتار روزمره به آینده اشاره کنند. نمودار شماره ۲، در زیر، به روشنی بازگوکننده این تمایز است. آگاهی از این که چه ذهنیتی پشت چنین تمایلی وجود دارد، نیازمند مطالعات بیشتری است. یافته‌ها هم از نظر فراوانی و هم درصد، حاکی از آنند که پرکاربردترین شکل اشاره به آینده، چه در میان گویندگان مذکر و چه مؤنث، حال استمراری بوده است. بنابراین نمی‌توان نتیجه گرفت که هیچیک از اشکال نه‌گانه بیان آینده خاص گویندگان مذکر یا مؤنث است.



نمودار ۲. فراوانی کاربرد گونه‌های بیان آینده در گفتار گویندگان مورد بررسی بر حسب جنسیت

۲.۲.۴. سطح تحصیلی گوینده

تحلیل گونه‌های واژگانی - نحوی ...

این عامل اجتماعی، همان طور که پیش‌تر معرفی شد، به سه زیرشاخه کم‌سواد، تحصیل کرده و تحصیلات عالی طبقه‌بندی شده است. آنچه در زیر مشاهده می‌شود، تفاوت‌های بیان آینده را بین این سه شاخه به نمایش می‌گذارد:

جدول ۵. بسامد رخداد گونه‌های آینده بین سه سطح تحصیلی.

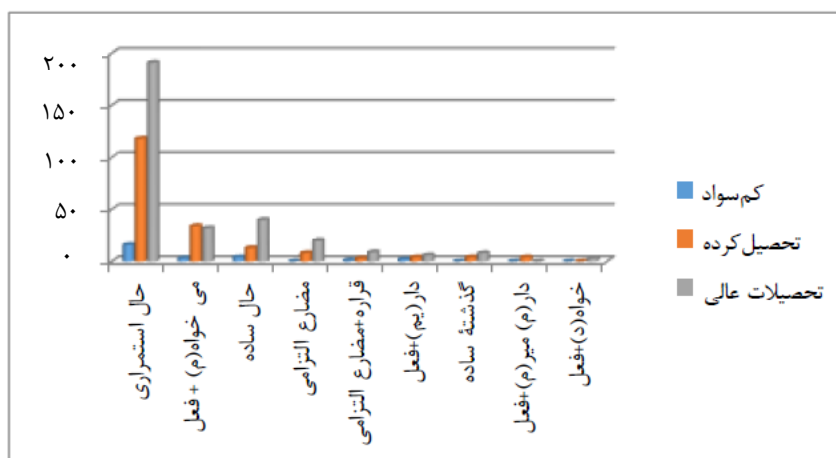
متغیر	حال استمراری	می خواه(م) فعل +	حال ساده	مضارع التزامی	قراره + مضارع التزامی	دار(یم) فعل +	گذشته ساده	دار(م) می(ر)م فعل +	خواه(د) فعل +	مجموع
کم‌سواد	۶۱	۳	۴	۰	۱	۲	۰	۰	۰	۲۶
تحصیل کرده	۱۱۸	۳۴	۱۳	۸	۳	۴	۴	۴	۰	۱۸۸
تحصیلات عالی	۱۹۱	۳۲	۴۰	۲۰	۹	۶	۸	۰	۳	۳۰۹
مجموع	۲۵۲	۶۹	۵۷	۲۸	۱۳	۱۲	۱۲	۴	۳	۵۲۳

جدول ۶ درصد کاربرد گونه‌های آینده بین سه سطح تحصیلی.

متغیر	حال استمراری	می خواه(م) فعل +	حال ساده	مضارع التزامی	قراره + مضارع التزامی	دار(یم) فعل +	گذشته ساده	دار(م) می(ر)م فعل +	خواه(د) فعل +
کم‌سواد	%۶۱،۵۳	%۱۱،۵۳	%۱۵،۳۸	%۰	%۳،۸۴	%۷،۶۹	%۰	%۰	%۰
تحصیل کرده	%۶۲،۷۶	%۱۸،۰۸	%۶،۹۱	%۴،۲۵	%۱،۵۹	%۲،۱۲	%۲،۱۲	%۲،۱۲	%۰
تحصیلات عالی	%۶۱،۸۱	%۱۰،۳۵	%۱۲،۹۴	%۶،۴۷	%۲،۹۱	%۱،۹۴	%۲،۵۸	%۰	%۰،۹۷

به واسطه تعداد محدود گویندگان کم‌سواد، مقایسه بر اساس فراوانی گونه‌ها بین دو قشر تحصیل کرده و ناکرده، منصفانه به نظر نمی‌رسد. تنها نکته قابل توجه در مورد اشارات آینده قشر کم‌سواد این است که برخی از گونه‌ها، از جمله گذشته ساده، دار(م) می(ر)م فعل + فعل، خواه(د) فعل + فعل و مضارع التزامی در اظهارات ایشان اصلاً موجود نیست. ولی همچنان از بین سایر گونه‌ها تمایل بیشتری نسبت به استفاده از حال استمراری برای بیان آینده از خود نشان داده‌اند. این تمایل در هر دو قشر تحصیل کرده و نیز تحصیلات عالی هم به میزان قابل توجهی وجود دارد. در این دو قشر، بجز سه گونه اول، سایر گونه‌ها به ندرت مورد استفاده قرار

گرفته‌اند. با نگاهی به نمودار ۳ می‌بینیم که همان‌طور که از چپ به راست نمودار پیش می‌رویم (از نخستین گونه به سمت آخرین)، از بسامد کاربرد گونه‌ها کاسته می‌شود. کاربرد دو گونه آخر، در میان هر سه سطح، بسیار پایین و قابل چشم‌پوشی است.



نمودار ۳. فراوانی کاربرد گونه‌های آینده در گفتار گویندگان مورد بررسی بر اساس تحصیلات

۳.۲.۴. موقعیت اقتصادی - اجتماعی گوینده

برای این موقعیت، سه سطح زیرشاخه‌ای را می‌توان تفکیک کرد: طبقه پایین، متوسط و بالای جامعه، که توسط شغل و میزان درآمد فرد و شأن اجتماعی او تعیین می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در بین مشاهده‌شوندگان، آنان که دوست، آشنا، هم‌کلاسی یا اعضای خانواده بودند، با آگاهی کامل دسته‌بندی شدند. در مورد سایر افراد نیز دسته‌بندی با توجه به شغل و شأن اجتماعی در نظر گرفته برای آن شغل، از دید جامعه ایران صورت گرفت. مثال برای طبقه بالا: اساتید و رؤسای دانشگاه، طبقه متوسط: کارمندان دانشگاهی و اکثر دانشجویان و طبقه پایین: کارگران محوطه، خدمه سلف دانشجویی و غیره است. یافته‌های مربوط به این عامل اجتماعی در جدول‌های ۷ و ۸ خلاصه شده‌اند:

جدول ۷. بسامد رخداد گونه‌های آینده در سه سطح اقتصادی - اجتماعی گویندگان.

تحلیل گونه‌های واژگانی - نحوی ...

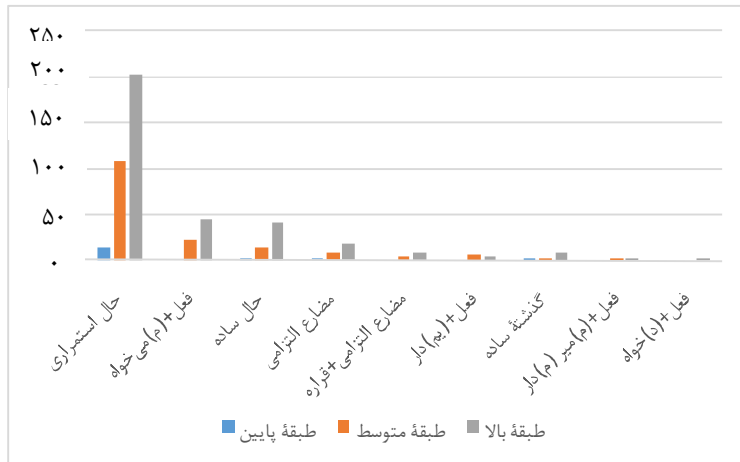
مجموع	خواه(د) + فعل	دار(م) می(م) + فعل	گذشته ساده	دار(یم) + فعل	قراره + مضارع التزامی	مضارع التزامی	حال ساده	می خواه(م) + فعل	حال استمراری	متغیر سطح اجتماعی
۸۱	۰	۰	۱	۰	۰	۲	۱	۰	۱۴	طبقه پایین
۱۷۰	۰	۳	۲	۷	۴	۸	۱۴	۲۳	۱۰۹	طبقه متوسط
۳۳۵	۳	۱	۹	۵	۹	۱۸	۴۲	۴۶	۲۰۲	طبقه بالا
۵۲۳	۳	۴	۱۲	۱۲	۱۳	۲۸	۵۷	۶۹	۲۵۳	مجموع

جدول ۸. درصد کاربرد گونه‌های آینده در سه سطح اقتصادی - اجتماعی گویندگان.

مجموع	خواه(د) + فعل	دار(م) می(م) + فعل	گذشته ساده	دار(یم) + فعل	قراره + مضارع التزامی	مضارع التزامی	حال ساده	می خواه(م) + فعل	حال استمراری	متغیر سطح اجتماعی
%۰	%۰	%۰	%۵,۵۵	%۰	%۰	%۱۱,۱۱	%۵,۵۵	%۰	%۷۷,۷۷	طبقه پایین
%۰	%۱,۷۶	%۱,۱۷	%۴,۱۱	%۲,۳۵	%۴,۷۰	%۸,۲۳	%۱۳,۵۲	%۶۴,۱۱		طبقه متوسط
%۰,۸۹	%۰,۲۹	%۲,۶۸	%۱,۴۹	%۲,۶۸	%۵,۳۷	%۱۲,۵۳	%۱۳,۷۳	%۶۰,۲۹		طبقه بالا

در میان داده‌های گردآوری شده از بین ۵۲۳ جمله، همان طور که در جدول ۷ نمایان است، تنها ۱۸ جمله توسط مشاهده‌شوندگانی از طبقه پایین اجتماعی بیان شده بود. تعداد اندک این جملات، مقایسه آن‌ها را با دو سطح دیگر تا حدی ناممکن می‌سازد. اما در همین گروه، آنچنان که فراوانی‌ها نشان می‌دهند، می‌توان به وضوح دید که بجز حال استمراری، سایر گونه‌ها به ندرت مورد استفاده قرار گرفته‌اند. ولی باز هم به واسطه تعداد کم گویندگان در این سطح، نمی‌توان مدعی شد که در کل تنها به استفاده از همین یک گونه تمایل دارند. گویندگان دو سطح دیگر نیز برای بیان آینده، در گفتار روزمره خود، بیشترین بهره را از همین گونه برده‌اند. درصدها نشان می‌دهند که این دو طبقه اجتماعی به میزان مشابهی (۶۴.۱۱٪ و ۶۰.۲۹٪)، در بیان آینده از حال استمراری استفاده کرده‌اند. کاربرد سه گونه آخر ("گذشته ساده"، "دار(م) می(م) + فعل" و "خواه(د) + فعل") به اندازه‌ای کم بوده است که می‌توان آن را نادیده گرفت.

این تفاوت‌ها به‌ویژه کاربرد بسیار کم گونه‌های بیان آینده در بین گویندگان طبقه پایین جامعه در نمودار زیر بهتر قابل رؤیت است:



نمودار ۴. میزان کاربرد گونه‌های بیان آینده در سه سطح اجتماعی/اقتصادی از مشاهده‌شوندگان بر اساس فراوانی.

۴.۲.۴. سن گوینده

پنج گروه سنی، که در مطالعه حاضر بررسی شدند، عبارتند از: کودک، نوجوان، جوان، میانسال و مسن. یافته‌های مربوط به هریک از این رده‌ها در جدول‌های ۹ و ۱۰ قابل مشاهده است. از میان پنج گروه سنی، فراوان‌ترین استفاده از حال استمراری، توسط گروه جوانان بوده است (نمودار ۵). کودکان کمترین اشارات را به آینده در گفت‌وگوهای خود داشته‌اند. این طور استنتاج می‌شود که ذهنیت ایشان بیشتر معطوف به زمان حال بوده است. وضعیت مشابهی در مورد نوجوانان حاکم است. در میان اندک اشارات آن‌ها به آینده، تنها زمان حال استمراری به چشم می‌خورد. جوانان از هر نه گونه بیان آینده در گفت‌وگوهای روزمره خود بهره برده‌اند ولی در مورد ایشان بیشترین کاربرد را برای چهار گونه آخر می‌توان متصور شد. بیش از نیمی از اظهارات ایشان در مورد آینده در قالب حال استمراری است. در رابطه با میانسالان نیز وضع به همین منوال است. ولی افراد مسن هیچ استفاده‌ای از اکثر گونه‌ها در گفتار خود نداشته‌اند. علاوه بر حال استمراری، بیش از یک‌چهارم اظهارات ایشان در مورد آینده به شکل حال ساده بوده است. این ویژگی آن‌ها را از سایر گروه‌های سنی متمایز می‌کند.

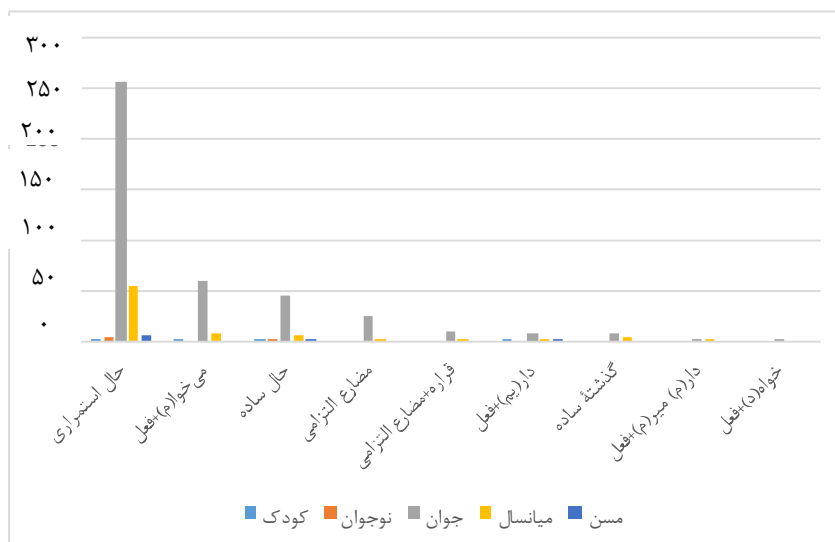
تحلیل گونه‌های واژگانی - نحوی ...

جدول ۹. بسامد رخداد گونه‌های آینده در پنج گروه سنی از گویندگان.

مجموع	خواه(د) + فعل	دار(م) می(م) + فعل	گذشته ساده	دار(یم) + فعل	قراره + مضارع التزامی	مضارع التزامی	حال ساده	می خواه(م) + فعل	حال استمراری	متغیر گروه سنی
۴	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	کودک
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۵	نوجوان
۸۴۱	۳	۳	۸	۸	۱۰	۲۵	۴۵	۶۰	۶۲۵	جوان
۸۴	۰	۱	۴	۲	۳	۳	۷	۹	۵۵	میانسال
۱۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۳	۰	۷	مسن
۵۲۳	۳	۴	۱۲	۱۲	۱۳	۲۸	۵۷	۶۹	۳۱۹	مجموع

جدول ۱۰. درصد کاربرد گونه‌های آینده در پنج گروه سنی از گویندگان.

خواه(د) + فعل	دار(م) می(م) + فعل	گذشته ساده	دار(یم) + فعل	قراره + مضارع التزامی	مضارع التزامی	حال ساده	می خواه(م) + فعل	حال استمراری	متغیر گروه سنی
%۰	%۰	%۰	%۲۵	%۰	%۰	%۲۵	%۲۵	%۲۵	کودک
%۰	%۰	%۰	%۰	%۰	%۰	%۱۶,۶۶	%۰	%۸۳,۳۳	نوجوان
%۰,۷۱	%۰,۷۱	%۲	%۱,۹۱	%۲,۳۹	%۵,۹۰	%۱۰,۷۶	%۱۴,۳۵	%۶۱,۲۴	جوان
%۰	%۱,۱۹	%۴,۷۶	%۲,۳۸	%۳,۵۷	%۳,۵۷	%۸,۳۳	%۱۰,۷۱	%۶۵,۴۷	میانسال
%۰	%۰	%۰	%۹,۰۹	%۰	%۰	%۲۷,۲۷	%۰	%۶۳,۶۳	مسن



نمودار ۵. میزان کاربرد گونه‌های آینده در پنج گروه سنی از گویندگان بر اساس فراوانی.

۵.۲.۴. درجه رسمیت موقعیت گفتمان

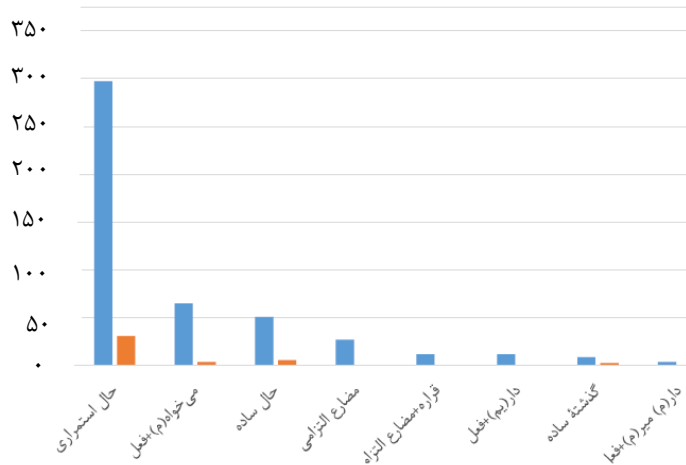
هریک از نمونه‌های اشاره به آینده در موقعیتی با درجه رسمی بودن متفاوت بیان شده است. این درجه رسمیت بر اساس نوع رابطه بین طرفین گفتمان تعیین می‌شود. در زندگی حقیقی، این میزان تنها به دو شکل موجود نیست بلکه بر پیوستاری بین دو غایت کاملاً رسمی و کاملاً غیررسمی یافت می‌شود. اما در مطالعه حاضر برای اطمینان بیشتر از صحت دسته‌بندی هر یک از جملات، به دو دسته کلی‌تر و متمایزتر رسمی و غیررسمی (دوستانه) اکتفا شده است. رایج‌ترین نمونه‌های اظهارات غیررسمی شامل گفت‌وگوهای بین دوستان، همکلاسی‌ها، هم‌اتاقی‌ها و اعضای خانواده است. غالب‌ترین نمونه‌های رسمی را می‌توان در گفت‌وگوهای بین غریبه‌ها (مثلاً در خیابان)، استاد- دانشجو، فروشنده- مشتری، کارمند- ارباب رجوع و ... جست. یافته‌های مربوط به این عامل اجتماعی در جدول‌های زیر قابل رؤیت است:

تحلیل گونه‌های واژگانی - نحوی ...

جدول ۱۱. بسامد رخداد گونه‌های آینده در گفت‌وگوهای رسمی و غیررسمی.

مجموع	خواه(د) + فعل	دارم(م) می(م) + فعل	گذشته ساده	دار(یم) + فعل	قراره + مضارع التزامی	مضارع التزامی	حال ساده	می خواه(م) + فعل	حال استمراری	متغیر رسمیت
۴۷۷	۰	۴	۹	۱۲	۱۲	۲۷	۵۱	۶۵	۲۹۷	غیررسمی
۴۶	۳	۰	۳	۰	۱	۱	۶	۴	۳۱	رسمی
۵۲۳	۳	۴	۱۲	۱۲	۱۳	۲۸	۵۷	۶۹	۳۲۸	مجموع

پیش از هر چیز ذکر این یافته لازم است که اکثر قریب به اتفاق اظهارات آینده در داده‌های این تحقیق از نوع غیررسمی بوده‌اند. در حالت کلی، تعداد اظهارات غیررسمی ده برابر اظهارات رسمی بوده است. در میان جملات و عبارات غیررسمی، یکی از گونه‌های بیان آینده کاملاً بلااستفاده بوده، و همان طور که با توجه به یافته‌های پیشین می‌توان حدس زد، آن گونه، خواه(د) + فعل است. این یافته کاملاً قابل پیش‌بینی بود چرا که هر فارسی‌زبانی با یک نگاه به نُه گونه بیان آینده می‌تواند صحه بگذارد که رسمی‌ترین آن‌ها در محاوره فارسی، مورد آخر است. یافته‌های پیشین این مقاله نیز حاکی از کاربرد بسیار محدود این گونه است. اما انتظار می‌رفت که در مورد عامل اجتماعی آخر، یعنی درجه رسمیت موقعیت گفتمان، کاربرد بالاتری از خواه(د) + فعل را در سطح اظهارات رسمی شاهد باشیم. ولی همان طور که از نتایج مشخص است، حتی در شرایط رسمی مکالمه روزمره هم این گونه کمتر از سایرین مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالی که دو گونه حال استمراری و حال ساده، در این شرایط، کاربرد بیشتری داشته‌اند. نمودار ۶ چنین مقایسه‌ای را تسهیل می‌سازد:



نمودار ۶. میزان کاربرد گونه‌های آینده در گفت‌وگوهای رسمی و غیررسمی بر اساس فراوانی.

۵. نتیجه‌گیری

آن گونه که از نتایج بر می‌آید رایج‌ترین روش بیان آینده در محاوره فارسی به‌کارگیری زمان حال استمراری است. این گونه واژگانی - نحوی از متغیر آینده در سطوح مختلف عوامل اجتماعی، که در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار گرفت، همچنان پرکاربردترین بوده است. کم‌کاربردترین گونه، چه در حالت کلی و چه در سطوح اجتماعی بررسی شده، خواه(د) + فعل بوده است.

در رابطه با بسامد رخداد نه گونه مورد بررسی، چه در حالت کلی و چه زیر تأثیر عوامل اجتماعی مورد بحث، می‌توان به ترتیب زیر دست یافت:

حال استمراری < می‌خواه(م) + فعل < حال ساده < مضارع التزامی < قراره + مضارع التزامی < دار(یم) + فعل < گذشته ساده < دار(م) می‌روم(م) + فعل < خواه(د) + فعل.

از میان نه گونه پیش‌بینی شده برای بیان آینده، تنها کاربرد چهار گونه نسبتاً چشمگیر بوده است، از جمله: حال استمراری، می‌خواه(م) + فعل، حال ساده و مضارع التزامی. تقریباً می‌توان گفت کاربرد پنج نوع دیگر قابل چشم‌پوشی است. مشهودترین تفاوت‌ها، از میان عوامل

تحلیل گونه‌های واژگانی - نحوی ...

اجتماعی یادشده، در درجهٔ رسمیتِ موقعیتِ گفتمان دیده شده است. ولی حتی با وجود تمایز بیشتر، ترتیبی که در مورد ۴ (نتیجه گیری) ارائه شد همچنان حاکم است. یافته‌های این تحقیق نحوهٔ بیان آینده را در گفت‌وگوهای طبیعی و روزمرهٔ فارسی‌زبانان روشن ساخت. گویندگان از حیث جنسیت، گروه سنی، سطح تحصیلی و طبقهٔ اقتصادی - اجتماعی، و نیز درجهٔ رسمیتِ حاکم بر کلامشان، دسته‌بندی و بیان آینده مورد تفحص قرار گرفت. تفاوت‌ها زیر تأثیر هر یک از عوامل بررسی شده به دست آمد و در نهایت ترتیبی کلی از به‌کارگیری نه گونهٔ واژگانی - نحوی بیان متغیر آینده در فارسی گفتاری، به دست آمد و ارائه شد. با این حال، یکی از محدودیت‌های این تحقیق این است که کاربرد گونه‌ها را درون سطوح زیرین هر یک از عوامل اجتماعی به طور جداگانه مورد بررسی و مقایسه قرار داده و تأثیر متقابل این عوامل و ترکیب آن‌ها بررسی نشده است. همچنین، همان طور که پیش‌تر اشاره شد، در برخی موارد و در بعضی دسته‌ها فراوانی به اندازه‌ای کم بود که مقایسه و تعمیم را ناممکن می‌ساخت. اکنون بر این باوریم که اگر زمان بیشتری به جمع‌آوری داده‌ها اختصاص داده می‌شد، شاید اساس بهتر و محکم‌تری برای امر مقایسه فراهم می‌آمد. از آن جا که تحقیق حاضر در بحث متغیرهای زمانی در مکالمهٔ فارسی پیشگام است، امید است توانسته باشد حداقل توجه لازم را به این موضوع ارزشمند جلب کرده و راه را برای پژوهش‌های مفصل‌تر و جامع‌تر آتی در این زمینه گشوده باشد.

منابع

- انوری، حسن (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی. اصفهان: بیشه.
- خمسه، احمد (۱۳۹۱). «جدول زمان‌های ماضی، مضارع و مستقبل». *ادبیات و زبان فارسی در زندگی*. ۱. بازیابی از: <http://www.farsiinlife.blogfa.com/tag/>
- لنگرودی، محمدمهدی (۱۳۸۱). «آنالیز نحوی آیندهٔ ساده با فعل ساختن در فارسی». نشریهٔ *بین‌المللی علوم انسانی* ۹(۲) ۳۵-۲۱.
- Arroyoa, J. L. B. (2008). "The variable expression of future tense in Peninsular Spanish: The present (and future) of inflectional forms in the Spanish spoken in a bilingual region". *Language Variation and Change*, 20 (1), 85-126.

- Berglund, Y. (2005). "Expressions of future in present-day English: a corpus-based approach". *Acta Universitatis Upsaliensis. Studia Anglistica Upsaliensia*, 126. 194. Uppsala. ISBN 91-554-6248-0.
- Croft, W. (2010). "Relativity, linguistic variation and language universals". *CogniTextes [En ligne]*. Volume 4.
<http://cognitextes.revues.org/303>.
- Declerck, R., & I. Depraetere (1995). "The double system of tense forms referring to future time in English". *Journal of Semantics*. 12 (3), 269-310.
- Haegeman, L. (1989). "Be going to and will: a pragmatic account". *Journal of Linguistics*. 25 (2), 291-317.
- Osborne, S. D. (2008). Variable future tense expression in Andalusian Spanish. Unpublished M.A. thesis.
<http://athenaeum.libs.uga.edu/handle/10724/10572>.
- Poplack, S, & S. Tagliamonte (2000). "The grammaticization of going to in (African American) English". *Language Variation and Change*. 11, 315-342.
- Smith, J. (2007). "Techniques of analysis: morpho-syntactic variables". in C. Llamas & L. Mullany & P. Stockwell (eds). *The Routledge companion to sociolinguistics*. New York: Routledge.
- Walker, J. & S. Poplack & R. T. Cacoullos (2004). "Looking into the future in English and French". *Sociolinguistics Symposium 15*. University of Newcastle-Upon-Tyne, April 2004.
- Watt, D. (2007). "Variation and the variable". in C. Llamas & L. Mullany & P. Stockwell (eds). *The Routledge companion to sociolinguistics*. New York: Routledge.